

آذربایجان

ششصد و نهم (دوره پنجم) ۴۶ - نمره (شماره ۴۶) ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان، مرداد ۱۳۸۷ ۱

از همان با مداد اسلام هر فتنه و آشویی که در عالم اسلام رخ داد، ایرانی ها در آن عامل عمده بودند.
«دو قرن سکوت» - دکتر عبدالحسین رزین کوب

اعلامیه فرقه دموکرات آذربایجان

فرقه دموکرات آذربایجان بعد از سقوط حکومت ملی آذربایجان و مهاجرت عده ای از رهبران و کادرهای فرقه به آذربایجان شوروی و سازماندهی مجدد فرقه در مهاجرت ارتباط سازمانی خود را با آذربایجان ایران برای همیشه قطع نمود.
کنفرانس وحدت فرقه دموکرات آذربایجان را بعنوان سازمان مستقل در مهاجرت منحل نمود. تنها نام فرقه دموکرات آذربایجان تا تشکیل گنگره سوم حزب توده ایران باقی ماند. گنگره سوم در اروپا تشکیل شد. نام فرقه دموکرات نیز از سازمان حزب توده ایران در آذربایجان حذف گردید.
فرقه دموکرات آذربایجان در مهاجرت (جمهوری آذربایجان) علیرغم تصمیمات گنگره

سوم حزب توده ایران فعالیت خود را با نام فرقه دموکرات آذربایجان ادامه داد بدین وسیله موجودیت خود را حفظ نمود. فعالیت فرقه دموکرات آذربایجان در جمهوری مستقل آذربایجان با مشکلات مالی و سازمانی روبرو شد. حکومت جبهه خلق در آمد مالی فرقه دموکرات آذربایجان را که از طریق حلال احمر تامین می شد قطع کرد. جبهه خلق تصمیم گرفت مقرر فرقه دموکرات آذربایجان را نیز تصرف نماید اما سقوط این حکومت این فرصت را از دست جبهه خلق گرفت. کادرهای فرقه دموکرات آذربایجان دست خالی موجودیت سازمان فرقه دموکرات آذربایجان را حفظ نمودند روزنامه آذربایجان و روزنامه مهاجر را تا سال 1998 منتشر نمودند در بین این سالها رئیس شورای شهر باکو نیز کوشید فرقه دموکرات آذربایجان را

- در این شماره -----
- ۱ اعلامیه فرقه دموکرات آذربایجان
 - ۲ نوزلرینی فرقه میزه باغلیاتلار حقیقده
 - ۳ بعضی ملاحظات درباره مونوگرافی.....
 - ۷ مهاجرت - آغاز و پایان
 - ۱۰ «آخرین فرشتگان»
 - ۱۲ یدالله کعنانی نین لاهرودیه.....
 - ۱۳ رکود، افزایش قیمتها، گرسنگی و.....
 - ۱۵ شمالی آذربایجاندا مهاجرلرین.....
 - ۱۶ پارچالانمیش مغان حقیقده ینی کتاب
 - ۱۹ چین هشت میلیون جفت کفش.....

از ساختمان موجود خارج نماید. رهبری فرقه دموکرات آذربایجان به دادگاه شکایت نمود و دادگاه بعد از ۵ سال جروبحث ورقه مالکت را (۱۹۹۷) بنام فرقه دموکرات آذربایجان صادر نمود. بدین ترتیب فرقه دموکرات آذربایجان توانست هم موجودیت خود را حفظ نماید و هم دفتر خود را از دست ندهد.

فرقه دموکرات آذربایجان اعلام می دارد که فردی بنام یدالله کنانی کادر حزب توده ایران در اردبیل و مهاجر توده ای از سال 1984 در اتحاد شوروی با یک فردی بنام رامین شهابی پهلوی لاهردی آمد او رامین را متخصص بر جسته ای کامپیوتر معرفی نمود و پیشنهاد کرد که رامین آماده است برای فرقه دموکرات آذربایجان سایت اینترنتی دایر کند و چنین هم شد او آمد و سایت اینترنتی را برای فرقه دایر نمود. آنچه گفتنی است آن است که رامین بعد از مدتی کار در سایت فرقه به عنوان جاسوس افشا گردید. جای خالی او را یدالله کنانی پر کرد. گرچه او در اینترنت بعنوان کارمند کار می کرد او نیز سایت را مانند رامین به انحصار خود در آورد به محض تغییر کد سایت بدون اجازه وی در ۱۳ ماه مه با عصبانیت تقی تقی زاده و ا.م. ش دفتر فرقه دموکرات آذربایجان را ترک نمود، و بلا فاصله روزنامه آذربایجان را «مصادره» نمود و آنرا بنام «یاشا آذربایجان» منتشر کردند و در همین شماره اعلامیه بنام گروه هواداران فرقه منتشر نمودند در این اعلامیه نام فرقه دموکرات آذربایجان را نیز «مصادره» کردند و آنرا از «آن خود» ساختند و صدر فرقه دموکرات آذربایجان را مورد توهین و اتهامات بیشرمانه قرار دادند و اعلام نمودند که «رسالت» احیاً فرقه دموکرات آذربایجان را خود به عهده گرفته اند تا آنرا از «سقوط» نجات دهند.

فرقه دموکرات آذربایجان اعلام می دارد که در ایران و در آذربایجان ایران هیچ نوع فعالیت سازمانی ندارد و در خارج از ایران، هم در اروپا و هم در جمهوریهای سابق شوروی با هیچ گروهی «منتصب» به فرقه دموکرات آذربایجان و یا هوادار فرقه دموکرات آذربایجان رابطه ندارد و بعد از این نیز رابطه نخواهد داشت. یدالله کنانی و همکاران او که خود را هوادار فرقه معرفی می کنند عضو حزب توده ایران هستند هیچگاه عضو فرقه دموکرات آذربایجان نبوده اند و اکنون نیز عضو فرقه دموکرات آذربایجان نیستند.

فرقه دموکرات آذربایجان ۲۰۰۸/۷/۲۲

پیشه وری (تاریخ تکرار اولدو. اما کمدا شکلینده)
نوزلرینی فرقه میزه باغلیانلار حقینده

ایشیدیلیر که، تهراندا و ایرانین باشقا شهرلرینده بعضی اشخاص و یا دسته لر نوزلرینی آذربایجان دموکرات فرقه سینین شعبه و یا نماینده سی آدلاندیریرلار. بو واسطه ایله فرقه و خلقیمیزین قازاندیغی نفوذ و اعتباردان سوء استفاده لر ایدیرلر. بو کیمی شیادلیق و ماجراجولیکلارا یول ویرمه مک ایچون بو واسطه ایله عمومه اعلام ایدیریک که، آذربایجان دموکرات فرقه سینین آذربایجان خارجینده هیچوجهله شعبه و یا نماینده سی یوخدور. بو ادعادا اولان اشخاص و دسته لرین ادعالارینا ایدا اعتبار ویریلمه ملیدیر.

عین زماندا همیشه یازیب و دیدیگیمیز کیمی، فرقه بوتون ایراندا آزادیخواهلارین ارتجاع علیهینه آپاردیقلاری مبارزه ده نوزونو سهم شریک حساب ایده رک بو مبارزه ده

آزادخواه‌لارین اوستونلیک قازانماسینا وار قوه سیله کمک ایتمیش و بوندان سونرادا بو مقدس وظیفه نی انجام ویرمکدن چکینمه یه جکدیر.

بیزیم فرقه میزین شعاری بوتون ایران آزادیخواه‌لارینین و اونلارین سازمانلارینین اتفافی و اتحادی سایه سینده نولکه نی ارتجاعی قوه لرین سوق ایتمکده اولدوقلاری فلاکت و بدبختلیگدن نجات ویرمکدیر. اونا گوره ده آذربایجان داخیلینده، فرقه تشکیلاتیمیزین بیرلیگینی و محکملمه سینی تامین ایتدیگیمیز کیمی، آذربایجان خارجینده داخلی نفاق و اختلافه سبب اولای بیلن تشکیلاتلار ایله جدا مبارزه ایتمگی لازم بیلیریک. اگر آذربایجان خارجینده یاشایان آذربایجانلی آزادیخواه‌لار آذربایجانین و عموم ایرانین آزادلیق و ترقی سینی ایستیرلرسه ایرانین نوزگه شهرلرینده امتحاندان چیخیب نوزینی حقیقی آزادخواه گوسترمگه نائل اولان تشکیلاتلارا وارد اولوب اونلاردا جدی و صمیمی صورته فعالیت ایتمه لی و بو واسطه ایله خلقیمیزین سعادت یولوندا گوتورولن قدملری داهادا سرعتلندیرمه لیدیر.

«آذربایجان» غزه تی ۲۰ خرداد ۱۳۲۵ ه.ش. نمره ۲۲۱

پروفیسور دکتر بهروز شکوری عضو آکادمی علوم نیویورک

بعضی ملاحظات درباره مونوگرافی پرچم و پر معنی استاد امیرعلی لاهرودی یکی از پایه گذاران خوب توده ایران و از انقلابیون نهضت آزادی آذربایجان.

یک ماه پیش مونوگرافی ۷۵۰ ورقه یکی از فدانیان قیچی نبر نهضت رستا خیز ملی آذربایجان دبیر اول کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان (نشریه فرقه دموکرات آذربایجان) بد ستم رسید که نظر دقت مرا بخود جلب کرد و مطالعه آن مرا بیاد مبارزات سنگین و خوبین ملل ایران در راه آزادی و نجات کشور از دیکتاتوری خاندان پهلوی علیه امپریالیزم خونخوار آمریکا و دولت استعماری انگلیس انداخت.

ملل ایران در عرض قرن در خواری و مزلت به دست و پنجه لردان آمریکا و انگلیس گرفتار بودند و برای آزادی خود صدها هزار نفر از بهترین فرزندان خود را قربانی داند و امروز نیز در صف اول مبارزان علیه دشمن خونخوار قدعلم کرده اند.

مونوگرافی یاد مانده ها ملاحظه های استاد امیرعلی لاهرودی که با اصول هستیورگرافی تدوین و تنظیم گردیده یکی از موفق ترین آثار مربوط به ۶۰ سال مبارزات حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان بوده و منبع بسیار پرفایده ای برای مورخین و نویسندگان تاریخ معاصر ایران بشمار می رود زیرا مولف و الاتبار آن خود در حوادث تاریخی ۶۰ سال اخیر شرکت کرده و از نزدیک شاهد موفقیت ها و ناکامیهای نهضت دموکراتیک ایران بوده است. آشنائی با این اثر ارزنده نشانگر آن است که این مونوگرافی تاریخ مبارزات حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان در مهاجرت ۶۰ ساله را در بر می گیرد و مولف آن سعی نموده که حوادث را بطور عینی به قلم بیاورد و تا حد زیادی هم موفق گردیده است.

زندگی پر ماجرا و بسیار جالب مولف مونوگرافی دروان جوانی مصادف با دوره ای بود که محیط خفقان و آنازشی در کشور حاکم بود. مبارزات علیه دیکتاتوری خاندان پهلوی از یکسو طوطنه های کشورهای امپریالیستی از سوی دیگر یک وضع پیچیده اجتماعی سیاسی

در کشورمان ایجاد کرده بود. وضع در ایالات محروم آذربایجان، کردستان در مناطق جنوب کشور ناراحت کننده بود.

فقر و بدبختی دوره بعد از جنگ دوم جهانی زندگی مردم را تیره کرده بود. نسل جوان بدون مکتب و مدرسه، مردم بدون دکتر و دارو و بهداشت در شرایط نیمه گرسنه بسر می برد. دولتهای دست نشانده ارتجاعی یکی بعد از دیگری که به کمک و خواست دول خارجی با تمایلات امپریالیستی در صحنه حاضر شده بودند ملت را چابیده و از میدان خارج می شدند. فساد، فحشا، مواد مخدر، استعمال بی رویه مشروبات الکلی و توسعه فرآیند فساد نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در مناطق دور دست کشور هم ارز شهای اخلاقی، ملی را تهدید به نابودی می کرد. این دوران تاریک در تاریخ معاصر کشور بود.

جمعیت کشور در دو قطب مقابل هم قرار گرفته بود. در قطب اول صاحبان سرمایه های کلان، مالکین بزرگ، صاحبان صنایع - شاهزاده ها و خوانین که ۵- ۱۰ درصد جمعیت را تشکیل می دادند و در عیش و عشرت به زندگی مرفه خود ادامه می دادند. در قطب دوم اکثریت قریب به اتفاق مردم قرار داشتند که در فقر و بدبختی بسر می بردند، مریض ها دکتر و دارو نداشتند، مردم از بیمارستان و مراکز معالجه محروم بودند، بچه ها صف بی سوادان کشور را پر می کردند و آینده تاریکی در انتظارشان بود. آقازاده ها و اربابان و پولداران برای گذراندن یکی دوشب در مرکز فساد اروپا بدانجا رفته پولهای غارت شده از ملت را به باد می دادند. در دهات کشور بخصوص دهات محروم آذربایجان، کردستان - بلوچستان و غیره وضع از اینها هم بد تر بود. دهقانان ایران بخصوص ایالات محروم کشور در کلبه های گلی و قرون و سطلی نی خود با احشام در زیر یک سقف می خوابیدند. از سواد و ارزشهای فرهنگی محروم بودند و در اکثر موارد به زبانهای ملی خود نیز نمیتوانستند تکلم نمایند.

فقدان بهداشت و درمان بخصوص در دهات کشور باعث مرگ و میر صدها هزار نفر بخصوص کودکان می گردید و ایران آن روز در خطاول جدول مرگ کودکان جهان قرار داشت. در چنین شرایط طاقت فرسای سیاسی و اجتماعی مردم در راه جستجوی شیوه های نجات از این بدبختی و زندگی پرمشقت و محرومیت بودند. فقدان امکانات گسترده در مدارس عالی کشور به جوانان امکان تحصیل را نمیداد و این در شرایطی به وقوع می پیوست که در کشور متخصصین، مهندسیین پزشکان و معلمین در حدود یک صدم احتیاج آن بود. در چنین شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور مؤلف مونیوگرافی در یکی از نقاط بسیار محروم کشور در محدوده مشکین شهر زندگی اوان جوانی خود را می پیمود و هیچ روزنه امیدی به آینده نبود. در صفحه ۷۱ مونیوگرافی استاد لاهرودی عکس کلبه ای را که در آن چشم به جهان گشوده و دوران اولیه جوانی خود را در آن بسر برده آورده که نشانگر عمق فاجعه مناطق محروم کشور از جمله آذربایجان می باشد.

با ورود متفقین به ایران سیستم دیکتاتوری رضا شاهی از هم پاشیده شد. خود دیکتاتور مطلق از ترس خشم ملت از کشور گریخته در آفریقای جنوبی پناه گرفت و تا آخر عمرش در آنجا بسر برد و در همانجا هم جهان را بدرود گفت. محمد رضا فرزند رضا شاه به سلطنت رسید. وضع سیاسی کشور به سرعت عوض می شد این دوره ای بود که زندانیان سیاسی کشور و در جز و آنها ۵۳ نفر آزاد شدند و شروع به فعالیت سیاسی و تشکیل احزاب نمودند. احزاب سیاسی در ایران آنروزی مانند قارچ در جنگل یکی بعد از دیگری تشکیل می شد. دول امپریالیستی آمریکا و انگلیس طرفداران و جاسوسان خود را وارد صحنه سیاسی کشور کرده بودند. از جمله آنها سید ضیا الدین طباطبائی نو کردیرین و مارکدار انگلیستان در صحنه سیاست کشور به فعالیت ضد ملی پرداخته و چندین سال در مجلس شورای ملی صندلی نماینده مجلس را غصب کرده بود.

این مرد دفعات به تشکیل احزاب قلبی پرداخت و با تمام قوا سعی می کرد تا سیستم ارتجاعی را در کشور تثبیت نماید. در همین دوره بسیار جالب و پر ماجرای کشور کمونیست های قدیمی و یاران و دوستان آنها پس از آزادی از زندان ها به تشکیل حزب توده ایران پرداختند و در اندک مدت این حزب به یک نیروی عظیم ملی و سیاسی کشور تبدیل شد. کارگران، پیشه وران، دهقانان، روشنفکران، دانشگاهیان، جوانان در ردیف این حزب زحمتکشان ایران قرار گرفتند. این حزب از طرف سیستم سوسیالیستی جهان حمایت می شد و سیمپاتی زحمتکشان جهان را بخود اختصاص داده بود. تشکیل شعبات حزب با تمایلات ملی و سوسیالیستی در نقاط مختلف ایران از جمله در شهرها و دهات آذربایجان تاثیر بزرگی در سیاست دولتها و مجلس شورای ملی داشت استاد لاهرودی به حق می گوید که «قرن بیستم اشاعه و پا گیری تفکر چپ در ایران است» ما شاهد فعالیت عظیم حزب توده در کشور، تشکیل متینگ های عظیم چند صد هزار نفری در شهرهای ایران بودیم که سیمای سیاسی کشور را کاملا عوض کرده و کشور را به لرزه در آورده بود. فضای باز دوره بعد از جنگ دوم جهانی برای کارگران، پیشه وران و مردم محروم کشور امکاناتی فراهم نمود که تفکر جدید، تمایلات مارکسیستی، ایده های سوسیالیستی، و بشر دوستانه در جامعه محروم کشورمان جای پائی پیدا نماید. در چنین شرایطی لاهرودی وارد عرصه سیاست گردیده به عضویت حزب توده و دبیر تشکیلات مشکین شهر انتخاب می گردد و افتخار عضویت در اولین کنگره حزب توده را هم نصیب خود می نماید و از همین تاریخ او وارد میدان عظیم فعالیت حزبی می گردد، حزبی که او را یکی از مؤسسان آن می توان به شمار آورد.

با گذشت زمان حکومت ارتجاعی ایران موقعیت خود را مستحکم تر کرده و با تکیه بر امپریالیزم انگلیس و سپس آمریکا به عملیات سرکوبگرانه علیه حزب توده ایران، اتحادیه کارگران و سایر سازمانهای حزب دست می زد ولی موفق به نا بودی آن نمیشد. زیرا حزب دارای سازمان منظم با مرانامه و نظامنامه مشخص بوده و هر روز خط مشی خود را با وضع کشور تنظیم می کرد و در صورت لزوم تاکتیک مبارزه را تغییر می داد. زحمتکشان ایران به حزب توده به عنوان سازمانی که کشور را نجات خواهد داد می نگریستند و با تمام قوا و تحکیم آن می کوشیدند. در دوره جنگ دوم جهانی و بعد از آن وضع اقتصادی کشور بحرانی بود. در اکثر شهرها و قصبات کمبود شدید نان و ارزاق احساس می شد. مردم ساعتها در انتظار خرید نان و مایحتاج خود در صف ها بسر می بردند. وضع در ایالات آذربایجان خراب تر هم بود. دهات آذربایجان و نه تنها آذربایجان با ترک نیروهای کاری خالی شده بود و مردم ده نشین در فقر و بیچارگی بسر می بردند، امنیت موجود نبود و دولت مرکزی به حل مسائل ایالات قادر نبود.

دولت های دست نشانده یکی بعد از دیگری مجبور به استعفا می شدند. در چنین شرایط سخت اقتصادی فقدان مدارس ملی در آذربایجان، عدم شرکت مردم در اداره ایالت، فقدان انجمن های شهری تغییرات بنیادی را الزامی می نمود. در چنین شرایطی عده ای از شخصیت های سیاسی و در راس آنها سید جعفر پیشه وری مسئله تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را به پیش کشیدند و در اواسط شهریور ماه ۱۳۲۴ به کمک همفکران و افراد سرشناس ملی فرقه دموکرات آذربایجان را تأسیس کردند که مورد استقبال مردم آذربایجان قرار گرفت.

با تشکیل فرقه دموکرات و تشکل سازمانهای آن در شهرها و دهات لاهرودی سرنوشت خود را با این تشکیلات سر داده و تا به امروز هم در این راستا حرکت می کند. پس از شکست نهضت دموکراتیک آذربایجان و حمله سبعمانه ارتش شاهنشاهی به شهرها و دهات آذربایجان رهبران فرقه و فعالین آن به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پناهنده شدند. در جریان حمله ارتش ده ها هزار نفر از فعالین و اعضای فرقه، فدائیان دوستان این سازمان

بطور فجیمی کشته شدند، زندانها و سیاه چالهای شاهنشاهی به خون بهترین فرزندان کشور آلوده شدند در مدت ۲ سال در زندان شاهد کشتار مخبصانه فرقه ایها بودم. مقامات نظامی و دولتی ایران دشمنی بخصوص نسبت به فرقه ایهای منطقه مشکین شهر بخصوص قریه ثمرین که در محدوده زادگاه استاد لاهرودی است نشانمیداند. هنوز قیافه دلبرانه مشهدی یعقوبها و سایر شیردلان که شربت شهادت رانوشیدند ولی تسلیم نشدند در جلوی چشم می باشد.

در مهاجرت فرقه دموکرات تجدید سازمان نمود و برای مدت جدیدی به فعالیت سیاسی خود (فعالیت بیرون مرزی) ادامه داد. متأسفانه در یک دوره نسبتاً جدیدی فرقه با شیوه دموکراتیک اداره نمی شد که کیش شخصیت پرستی حاکم بود و این مسئله باعث نفاق در سازمانهای فرقه شده بود و همه اینها به تضعیف سازمانی و ایده نولوژیکی فرقه منجر شد. پس از اعلام وحدت سازمانی حزب توده و فرقه دموکرات تعویض رهبری فرقه در برنامه روز قرار گرفت و امیرعلی لاهرودی که پس از کار چند ساله در کمیته مرکزی حزب توده به باکو برگشته بود به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان انتخاب شد و عضویت خود را در رهبری حزب توده حفظ نمود.

من در کتاب خاطراتم در صفحه ۲۴۳ آن در این مورد چنین نوشته ام امیرعلی لاهرودی یکی از اعضای موسس حزب توده که در دوره مبارزات پخته شده بود و مدتی هم در سازمان مرکزی حزب توده در آلمان به فعالیت مشغول بود و بقدر کافی هم قدرت تحلیل حوادث ایران را داشت بخصوص از سادگی و پاکی بر خوردار بود به عضویت هئات اجراییه کمیته مرکزی حزب توده انتخاب و در پلنوم کمیته مرکزی فرقه به مقام دبیر اولی کمیته مرکزی فرقه انتخاب شد. انتخاب لاهرودی باعث خوشحالی افراد خوبی گردید و از آن پس وضع در فرقه بهتر شد و فرقه دوران جدیدی از زندگی خود را آغاز نمود و ماها هم نفس راحتی کشیدیم»

اثر از زنده استاد لاهرودی یادمانده ها و ملاحظه ها دارای اهمیت تاریخی بوده و زندگی سیاسی حزب توده، فرقه دموکرات آذربایجان در واقع قسننتی از نهضت دموکراتیک ایران را در یک مدت ۶۰ ساله نشان میدهد که متکی به مدارک و اسناد حزبی می باشد. مؤلف تمام این حوادث تاریخی را وارد تاریخ معاصر ایران می کند و این خدمت افتخار بزرگی برای ایشان می باشد.

من معتقدم که این اثر از زنده را خواندن کافی نیست بلکه باید حوادث آن روزها را تحلیل علمی نمود. نواقصات سازمانی، انحرافات تشکیلاتی و غیر دموکراتیک، روابط غیر صمیمی و حزبی بعضی از افراد رهبری باید تحلیل و درک نموده نتایج لازم را برای مبارزات آینده اتخاذ نموده اشتباهات رهبری حزب در مسئله همکاری با رادمرد بزرگ ایران دکتر مصدق و در واقع بایکوت دکتر مصدق و طرفدارانش، اشتباهات بعضی از افراد رهبری در جریان کودتای زاهدی (۲۸ مرداد) عدم استفاده از امکانات سازمان نظامی حزب و افسران شریف ارتش و صدها موارد دیگر باید درس عبرتی برای مبارزین آینده باشد.

این اثر از زنده را باید در اختیار مورخین، دانشمندان شرقشناسان، احزاب سیاسی کشورهای اروپائی و آسیائی، کتابخانه های بزرگ جهان بخصوص آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان، روسیه و غیره قرار داد. کتاب را باید به کتابخانه های کشورهایی که در نابودی نهضت دموکراتیک ایران نقش داشتند فرستاد. در سایتهای اینترنتی متن مختصر آن را باید منتشر کرد.

ما برای دوستان استاد لاهرودی بیپاس زحمات پنجاه ساله اش و در به ثمر رسانیدن این اثر جاویدان تبریک گفته آرزوی سلامتی بر ایشان می نمایم.

۲۵ ژوئیه ۲۰۰۸ شهر باکو.

مهاجرت - آغاز و پایان

ایرانیان مردمان مبارز و انقلابی هستند. از نیمه دوم قرن ۱۹ تاکنون بارها قیام کردند. کشتند و کشته شدند و مجبور به ترک وطن شدند.

مهاجرت اول، بعد از برقراری حکومت شوروی در قفقاز کمونیست های ایران در باکو به شمال ایران رفتند و در حکومت انقلابی جنگلی ها شرکت نمودند یکسال بعد حکومت انقلابی در رشت تحت فشار دولت مرکزی شکست خورد، رهبران انقلاب از جمله احسان الله خان از ایران خارج شدند و در باکو پناه گرفتند. بدین وسیله مهاجرت اول پایان یافت.

مهاجرت دوم پس از سقوط حکومت ملی آذربایجان در سال ۱۳۲۵ آغاز گردید. فرقه در مهاجرت از نو سازماندهی گردید در حدود شش هزار عضو و هوادار فرقه در مناطق متعدد آذربایجان شوروی جابه جا شدند، حوزه ها و سازمانهای محلی خود را تشکیل دادند. اکنون از آن تاریخ ۶۲ سال میگذرد. رهبران و کادرهای بلند پایه کشوری و لشگری فرقه دموکرات آذربایجان با مرگ طبعی جهان هستی را وداع کردند و کادرهای نسبتاً جوان جای آنها را گرفتند. حالا این کادرها نیز پیر شده اند و کادرهای جوان تری از نسل انقلابی وجود ندارند جای آنها را بگیرند.

فرزندان مهاجرین سیاسی فرقه یا در مهاجرت بدنیا آمده اند و یا در سالهای کودکی همراه خانواده خود به مهاجرت آمده اند. بیشتر از ۶۰ سال از عمر آنها میگذرد. و اکثریت مطلق آنان تبعه جمهوری آذربایجان هستند و در زندگی اجتماعی و سیاسی میهن خود شرکت می کنند.

اگر فردی و یا افرادی از آنها به خواهند در فعالیت سازمانی فرقه دموکرات آذربایجان در مهاجرت شرکت کنند از لحاظ حقوقی این کار برای آنها ممکن نیست زیرا پذیرش عضویت در فرقه دموکرات آذربایجان مستلزم تا بیعت ایران است. اینجاست که این پرشش پیش می آید که آیا فرزندان تک - تک گروه هوادار فرقه دموکرات آذربایجان بویژه تقی و یدالله میخواهند بعنوان تبعه جمهوری آذربایجان به «افتخار» عضویت در فرقه دموکرات آذربایجان نائل آیند و وارث سیاسی پدران خود باشند و در نهضت ملی آذربایجان ایران شرکت نمایند؟

رابطه مرکز فرقه در مهاجرت با همه سازمانهای محلی در مهاجرت بااستثنای شهر گنجه و شهر شیروان (علی بایراملی سابق) به علل عینی عملاً به حالت تعلیق در آمده است و خود یدالله کنعانی شاهد آن است. ایشان با ایوب نمینی ریش سفید فرقه و رامین «متخصص» انترنت فرقه به شهر قوبا، شهر خاچماز و شاماخی رفتند و با چشم خود دیدند که فرزندان مهاجرین مقیم این مناطق با سیاست سروکار ندارند و در هیچ تشکیلی شرکت نمی کنند. در چنین شرایط متهم کردن کسانی که عمر خود را صرف فعالیت حزبی کرده اند. در عمل در ردیف افرادی قرار گرفته اند که فرقه دموکرات آذربایجان را سازمان «بیگانه پرست» و «تجزیه طلب» معرفی می کنند. اگر کسی بقول اعلامیه نویسان بیانید و بگویند که گویا لاهرودی میگوید «بعد از من هر چه باشد. به جهنم» این ادعاغیر از افترا چیز دیگری نیست. بدین ترتیب مهاجرت دوم نیز در حال پایان یافتن است.

مهاجرت سوم مهاجرت توده ای ها را در بر میگیرد.

بعد از حمله ارتش شاه به آذربایجان رهبران سرشناس حزب توده ایران به اتحاد شوروی مهاجرت کردند. این مهاجرت بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گسترش یافت. سراسر اروپای شرقی (آلمان شرقی، رمانی، مجارستان، بلغارستان، چکوسلاواکی، لهستان) اتحاد شوروی (مسکو، تاشکند، تاشکند، عشق آباد، رستوف) را در بر گرفت.

این مهاجرت دارای ویژه گی خاص خودش را داشت. این مهاجرت از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۵۷ طول کشید در اوایل سال ۵۰ سازمانهای مسلح چیرگی بنام های فدائیان خلق و مجاهدین خلق در داخل ایران بوجود آمدند با چند عملیات دو افسر بلند پایه ایران و آمریکا را به ضرب گلوله از پای در آوردند آنها در آستانه انقلاب از عملیات چریکی دست بر داشتند و در انقلاب ۱۳۵۷ شرکت نمود.

در اروپا نیز در سالهای ۶۰ میلادی سر و صدای جنگ چریکی در کردستان بالا گرفت و عده از جوانان توده در اروپا از حزب توده جدا شدند و سازمان انقلابی حزب توده ایران را تشکیل دادند، فروتن و قاسمی نیز بمتابه کادر رهبری از حزب توده جدا شدند و به سازمان انقلابی پیوستند. پشت سر آن سازمان انقلابی طوفان و پیکار نیز پا به عرصه وجود گذاشتند. اما هیچ یک از آنها نتوانستند جنگ چریکی در ایران براه اندازند. بعد از انقلاب اسلامی تحت رهبری روحانیون از بین رفتند و نشانی از آنها باقی نماند. به عبارت دقیقتر مهاجرت حزب توده پایان یافت به همین مناسبت کیانوری در تهران اعلام نمود حزب توده ایران در خارج مهاجر سیاسی ندارد.

مهاجرت چهارم بعد از یورش به حزب توده ایران (بهمن ۱۳۵۷ و اردیبهشت ۱۳۵۸) آغاز گردید. صدها مهاجر توده ای و فدائی (عده ای از آنها با خانواده) به شوروی آمدند. باکو مینسک تاشکند. چارجووشهر ماری محل تمرکز این مهاجرین گردید. این مهاجرت نیز با درگیری شدید درونی مواجه گردید. هنوز جار و جنجال قطعه نامه چی ها فراموش نشده است. همه این هیاهو در باکو در مینسک و در جارجو برای تخریب حزب توده و از میان بردن آن راه انداخته میشد. آنها اول میکوشیدند، کادرهای باز مانده حزب (یعنی خاوری، صفری و لاهرودی) را از حزب بیرون کنند و از این طریق باصطلاح اجزای داغون شده حزب را جمع وجور کنند و از این «طریق» به احیای حزب نائل آیند. اما واکش قاطع هسته ای مرکزی حزب امکان نداد آنها به «خوانستهای» خود نائل آیند. آنها در این مورد نیز از رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی یا ری خواستند اما موفق نشدند به هدف ضد حزبی خود دست یابند بعد از این دسته - دسته شوروی را ترک کردند در اروپای غربی جا خوش نمودند در اروپا نیز به چند دسته تقسیم شدند و در نهایت امر عده سیاست را بوسیدند و کنار گذاشتند و عده دیگری سلطنت طلب و جمهوری خواه شدند. بقایای حزب در اروپا با همت علی خاوری و یاران قدیمی وی تشکل یافت و به فعالیت پرداخت.

گروه گرانی خصلت سیاست بازان است که در چارچوب سازمان حزبی فعالیت می کنند ۹۰ سال از نهضت کمونیستی در ایران میگذرد. آنها در عرض این مدت تنها ده سال (۷- ۱۳۲۰ و ۶۱- ۱۳۵۸) در ایران فعالیت عنی داشتند. بقیه ۸۰ سال مهاجرت، را در شوروی و اروپای شرقی گذراندند. اکنون بقایای این مهاجرت دوران واپسین خود را در اروپای غربی میگذرانند طبیعی است که بعد از پیری و ناتوانی مهاجرین مهاجرت پایان خواهد پذیرفت و مهاجرت دیگری نخواهد بود که جای «خالی» آنها را پر کند. زیرا در ایران امروزی اعضای سازمانهای چپ از امکان تشکل علنی و غیر علنی محروم هستند حراست از پلیس تنها کاری است که آنها میتوانند انجام به دهند و می دهند.

حاشیه: یاد آوری میشویم که محمدمین رسولزاده در سال ۱۹۱۳ از ترکیه به باکو برگشت فرقه مساوات را پایه گزاری کرد درست ۶ ماه پس از به قدرت رسید کمونیست ها در روسیه با یاری مستقیم امپراطوری عثمانی جمهوری دموکراتیک آذربایجان سرکار آمد. این جمهوری با ورود ارتش روسیه شوروی به آذربایجان (۲۸ آوریل ۱۹۲۰) سقوط کرد. بسیاری از رهبران آن از جمله محمدمین رسولزاده از کشور خارج شدند و در ترکیه زندگی کردند و در آنجا مردند حالا کسی حاضر نیست استخوانهای آنها را بیاورد و در میهن خود دفن کند.

بعد از ۷۰ سال حکومت شوروی نیز سقوط کرد. هیچ یک از بقایا و فرزندان مهاجرین در ترکیه حاضر نشدند به باکو بیایند و فرقه مساوات را از نو تشکیل دهند خود آذربایجانی ها این کار را انجام دادند و حزبی بنام «ینی مساوات» تشکیل دادند. پایان یافتن فعالیت سیاسی احزاب چپ ایران در مهاجرت یکطرفه قصیه است. طرف دیگر قصیه متلاشی شدن احزاب کمونیستی و کارگری در اروپای شرقی و غربی است. حزب کمونیست حاکم اتحاد شوروی بعد از ۹۰ سال در آن واحد متلاشی شد حزب کمونیست ایتالیا قدرت مند ترین سازمانی بود که تغییر ماهیت داد و از بین رفت.

این حزب مارکسیزم را کنار گذاشت و ایدیولوژی بورژوازی را برگزید. حالا در چنین اوضاع و احوالی که است در باکو چند نفر توده و فدائی دور هم جمع شده اند تا نگذارند لاهرودی فرقه دموکرات آذربایجان را از بین ببرد راستی این گروهک چه میخواهد؟

۱- یک شاعری در کسوت بازرگان به باکو آمد و در این شهر اقامت گزید. با رهبری فرقه دیدار کرد و علاقه نشان داد که در ارشیو فرقه دموکرات آذربایجان کار کند. یک اطاق در دفتر فرقه در اختیار وی گذاشته شد. او سه سال در این اطاق نشست ارشیو فرقه را زیر و رو کرد مدارک زیادی برای خود جمع و جور نمود.

یکروز شنیدیم. ایشان بدون اطلاع فرقه دموکرات گروهی بنام ۲۱ آذر تشکیل داده است و بعداً معلوم شد چند نفر توده ای و فدائی (خود ایشان نیز توده ای بود) مؤسس این گروه اند. بدالله کنعنائی نیز با آنها همکاری می کرد. آنها مجله بنام ۲۱ آذر منتشر کردند محمد تقی تاجر آهن قراضه هزینه ای مالی آنها را تامین می نمود.

در آن روزها چند نفر از توده ای های مقیم باکو از ما پرسیدند آیا این گروه سازمان علنی فرقه ای دموکرات آذربایجان است؟

معلوم شد که آنها هدف خواصی را دنبال می کنند عذر آنها را خواستیم. آنها رفتند سر از ساختمان کانون نویسندگان جمهوری آذربایجان در آوردند. اینها آنجا نیز راحت نه نشستند. گروه را تشکیلات نامیدند برای خود صدر انتخاب نمودند. طولی نکشید. مؤسس گروه با یک کوله بار اسناد فرقه به کاناد رفت اکنون با نشر آن اسناد مشغول است. عضو دیگر این تشکیلات به سوئد رفت و خاطرات غلام یحیی را به فارسی ترجمه کرد آنرا حاشیه نوشت و چاپ کرد.

چند سال بعد تشکیلات «۲۱ آذر» را از کانون نویسندگان بیرون کردند. و بدین وسیله تشکیلات از هم پاشید و از میان رفت.

بعد از این بدالله کنعنائی مرتب به دفتر فرقه رفت و آمد کرد و نتیجه این رفت آمد برای آمدن رامین شهامتی به فرقه زمینه ساز شد.

بدالله نیز مانند همان مسافر کانادائی کتابهای فرقه را به تبریز فرستاد و در مقابل آنها کتابهای کم یاب تاریخی و ادبی برای تقی زاده وارد کرد که اکنون زینت بخش کتابخانه ای جناب تقی زاده است.

حالا از اینجا رانده و آز آنجا مانده ها تاکتیک جلوگیری به اصطلاح از میان رفتن فرقه دموکرات آذربایجان را در پیش گرفته اند و با سماجت آنرا پیگیری میکنند. بعبارت دقیق تر این آخرین فرشتگان راه تخریب را پیش گرفته اند راهی که آنها را به ترکستان می برد.

«آخرین فرشتگان»

آخرین فرشتگان نام نوشته ایست که، جناب محمد تقی تقی زاده در روزی نامه مصادره شده خود با امضا اعضا و هواداران فرقه دموکرات آذربایجان چاپ کرده است. (خاک بر سر چنین اعضا و هواداران بی نام نشانی که به بازیچه دست گروهک بدون هویت شده اند) او (تقی زاده) در این اثر شاهکار خود، می نویسد در سال ۱۳۶۲ سیل ناگهانی مهاجرین به اتحاد شوروی شروع شد و تا فروپاشی شوروی ادامه داشت...»
بنابه ادعای جناب محمد تقی.

« هر وقت درباره این مهاجرین سخن به میان می آید آقای امیرعلی احمدزاده (لاهرودی) صدر فرقه دموکرات آذربایجان همیشه کلام خود را با این عبارت به پایان می رساند. آنها فرشته بودند ولی به دیو تبدیل شدند.»

این ادعای جناب تقی زاده سر تا پا دروغ است. من به استثنای چند جلسه با ایشان روبرو نه نشسته ام درباره هیچ موضوع راجع به مهاجرین صحبت نکرده ام. اگر ادعای این جناب درست باشد یعنی این فرشته ها بعثت بدرفتاری لاهرودی میهن سوسیالیستی را ترک کردند. و در غرب سرمایه داری مأوا گرفتند. پس فدائیان اکثریت (رهبران و کادرها ایشان) مقیم تا شکند را که وادار کرد اتحاد شوروی را ترک کنند. مانند فرشتگان توده ای در غرب سرمایه داری پناه گیرند. آخر آنها (فدائیان) زمانی مسلح شدند و در جنگهای مازانداران و در خیابانهای تهران جنگ چیریکی راه انداختند.

حالا به چه علت در مهاجرت خود را نفی نمودند، عده ای راه ضد کمونیستی، عده راه سوسیال دموکراسی، عده ای دیگری راه رادیکال تری را در پیش گرفتند و عده ای نیز خود را از عالم سیاست کنار کشیدند، راه و روش دیگری را در پیش گرفتند یک فدائی با نام مستعار کریم، علی توسلی عضو رهبری و مسئول تشکیلات فدائیان را به پلیس ایران تحویل داد. آیا این خیانت را باید به پای فدائیان نوشت؟

پس در چنین جو سیاسی مهاجرین ایرانی (توده - فدائی) نخواستند در کارخانه های شوروی کار کنند با دست پینه زندگی خود را تامین نمایند (اما لاهرودی در اوایل مهرجرت (۱۹۴۶ - ۱۹۵۴) زمین کند با دست پینه نان در آورد و زندگی کرد) به اروپا رفتند و در آنجا نیز زندگی «راحت» تری از طریق تا کسی رانی و ... تامین کردند. بالا تر از این همه اینها جان خود را از پروتاریزه شدن در شوروی «نجات» دادند.

جناب تقی زاده بعد از کبری و صغری چینی به «اصل» مطلب می پردازد و مینوسد:
«اما بعد از فروپاشی اتحاد شوروی اوضاع تغییر یافت. دیگر کسی دور بر دفتر فرقه دموکرات آذربایجان نمی چرچید.»

«خود فرقه ای ها و فرزندان ایشان دیگر ضروری نمی دانستند به آنها مراجعه کنند یا اصلا چشم دیدن آنجا (دفتر) و گردانندگان آنرا نداشتند
در باره این یاوه سرانی چه میتوان گفت.

۱- آنانکه به فرقه دموکرات آذربایجان مانند گاوشیرده نگاه میکردند یعنی از طریق فرقه برای خود و فرزندان خود خانه مجانی گرفته بودند، آنان که بوسیله فرقه درس خوانده و صاحب آلف و علوف شده بودند، آنان که سنشان به سال باز شکستگی رسیده بود از طریق فرقه باز نشسته شدند و پول باز نشستگی فردی گرفتند. آنان که توسط فرقه دموکرات در سناتوریم صلیب سرخ در مسکو معالجه میشدند. دیدند این امتیازات دیگر موجود نیست خودشان را کنار کشیدند. تراژدی مهاجرت نیز همین است.

آری چنین افراد فرصت طلب همیشه وجود داشته و اکنون نیز دارد. جنابان قلم بدست نیز از این قماش آدم ها هستند.

اما گروه دیگری از نخبگان روشنفکر فرقه بودند. آنها همیشه به غلام یحیی صدر فرقه دموکرات فحش میدادند. به محض دست یافتن جبهه خلق به قدرت مانند زنبور «عسل» دور پر پرزیدنت ائل چی بیک را گرفتند و خود را در تلویزیون باکو به نمایش گذاشتند. عاقب آنها و یا ران ایرانی مهاجر آنان اکنون برای همه روشن است. همه آنها آدمهای «عملگرا» بودند. بعد از ائل چی بیک پناه گاه دیگری برای خود دست پا کرده اند.

آنان که برای دوشیدن شیرگاو فرقه به دور بر فرقه دموکرات نگرویده بودند. سنگر فرقه را خالی نکردند. چند سال اخیر با اجاره بها چرخ سایت انترنت را چرخاندند. اجاره بها را برادرانه با رامین شهامتی، یدالله کنعانی بمدت کوتاهی با جاویدان نا می تقسیم کردند. حالا اجاره دار رفته و فرقه از هیچ جا در آمدی ندارد باز سنگر خالی نشد و نخواهد شد. جناب تقی زاده این شما بودید که دفتر فرقه را ترک نمودید با نشر روزی نامه چهره‌و‌افعی خود را نشان دادید.

جناب تقی زاده در جای دیگر روزی نامه مصادره شده خود می نویسد:

«گروه ما» (یعنی رامین جاسوس تقی زاده و یدالله) رضایت لاهرودی را جلب کردیم. و در مدت کوتاهی سایت انترنتی برای فرقه راه انداختیم. در نتیجه کار و تلاش ما بار دیگر فرقه زنده شد در صحنه سیاست حضور یافت. ایرانیان سراسر جهان به دفتر فرقه سرازیر شدند. (بارکالله به قدرت و سخاوت این گروهک)

در همین جا باید بتاریخ نچندان دور بر گشت و نشان داد که ساواک با تشکیل گروه عباس شهریاری به چه شکلی (مانند رامین شهامتی در باکو) به مرکز حزب در بغداد رسوخ کرد و چه صدمات جبران نا پذیر به حزب و پرستیژ حزب وارد آورد. گروه شهریاری نیز مانند گروه رامین در باکو افشا شد. در چنین شرایطی است این گروه که رامین عضو بر جسته آن بود برای قبضه کردن فرقه در باکو به عملیات تهاجمی دست زده اند چهار نعل در این راستا «پیش میروند».

ضروری میدانم به اطلاع خوانندگان برسانم دفتر فرقه بعد از آنکه اینها از دفتر کانون نویسندگان رانده شدند به اطراق این گروهک مبدل شد. بقول خودشان «ایرانیان» سراسر جهان به نشانی جدیدی می آمدند و در اطاق انترنت دور و بر رامین، تقی زاده و یدالله جمع میشدند. گاهی یدالله یکی از این مهمانان را به نزد لاهرودی می آورد. بعد از چند دقیقه صحبت بلند می شدند. و می رفتند.

جناب تقی زاده میکوشد. گناه دور شدن این گروه (و یا آخرین فرشتگان) از دفتر فرقه را به گردن لاهرودی بیاندازد. بدین سبب لاهرودی را متهم می کند که «آقای لاهرودی نمی خواهد. هیچ گونه فعالیت سیاسی بکند».

اگر لاهرودی کار سیاسی به کند و یا نه کند به جناب تقی زاده مربوط نیست این کار به خود لاهرودی مربوط است.

صرف نظر از همه این چرندها گروه تقی زاده اطاق انترنت را قرق کرده بود. از ساعت ده صبح تا ساعت ۵ عصر سماور می جوشید. استکانهای چای پررنگ قند پهلو پر میشد. این گروهک با دوستان و هم مسلکان خود «از سراسر جهان» چای میخوردند. «بحث سیاسی علمی و فلسفی» راه می انداختند. بدین طریق روز را به شب می رساندند. چهار سال روزگار آنان به این شکل گذشت. یک روز کد (kod) انترنت بدون اجازه این گروهک عوض شد. فردا آمدند. به لاهرودی اعتراض کردند و کوله بار خودشان را بر داشتند و رفتند و گفتند که لاهرودی آنها را از دفتر فرقه بیرون کرد. اما خود آنها رفتند تا کار مهم تری را که سالها برنامه ریزی کرده بودند اجرا کنند و حالا این «مهم» یعنی قبضه کردن فرقه را آغاز نمودند. دروغگوها فظه ندارد.

جناب تقی زاده در یک جا میگوید. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی همه اعضای قدیمی و فرزندان آنها از فرقه رو گردان شدند و چشم دیدن دفتر فرقه را نداشتند در جای دیگر سخن دیگری به میان میکشد و میگوید.

«سالها است که هیچ ارگان فرقه تشکیل جلسه نمی دهد. اگر کسی در این ارگان را باز نماید خیلی سریع روی ترش رهبران را ملاحظه می کنند».

این طرز بر خود جلوی هر نوع رشد و ترقی و ابتکار را می گیرد بدینگونه آخرین گروه فرشتگان را نیز به «دیو» تبدیل کردند».

جناب تقی زاده در پایان «نوشته» خود میگوید.

این بر خود فقط می تواند از مغزیک نفر آدمی که به بیماری پارانویید پیشرفته و ژروفرنیک مبتلا شده است. تراوش نماید .

تاکنون ما نمی دانستیم. جناب تقی زاده این تاجر آهن قراضه و شریک کارخانه ذوب فلز در عالم پزشکی نیز تبحر ویژه دارد. با یک نگاه بیماری مخالفین خود را کشف می کند و آنرا در نشریه خود منتشر می نماید. حالا من حق دارم به علت توهین به حثیتیم از این جناب به دادگاه شکایت کنم اما این کار را نمی کنم. چرا؟ برای اینکه

تقی زاده و همپالگان او اخلاق سیاسی ندارند از اخلاق انسانی نیز محرومند تصادفی نیست که سعدی درباره این قبیل آدمها گفته است: گزدم از خبث طبیعت به زند سنگ به نیش».

۱ - لاهرودی

یدالله کغانی نین لاهرودیه عنوانادبعی مکتوبا مناسبت

یدالله منه یلزیدی ۳ صحیفه لیک مکتوبوندا بیر چوخ مسئله باره سینده بیر طرفلی و یالنیش موقع توتמוש بونونلادا لاهرودینی مین گناهما تقصیرلندیرمیشدیر. من همین مکتوبون آنجا «آذربایجان» آدینی غصب ایتدیگی روزی نامه ده چاپ اولان ۲ مسئله یه آیدین لیق گتیرمک فکرینده یم.

۱ - یدالله یازیر: ... «ایندی بورادا اورادا استحزا ایله دییرلر نادر فرقه نی فییرلادیر و هامینین اختیاری اونون الینده دیر. آداما آغیر گلیر بو قدر تجربه یه صاحب اولان انسان نیه، نه اوچون اونون الینه بو قدر اختیار ویریب. بیر آدام کی پول اوچون نه دیسن ایله یر» (نادر باره سینده) یدالله نین نفرت ایتدیگی شخص (نادر) کیمدیر؟

اونون عائله سی گرمی شهرینده یاشایب آذربایجان دموکرات فرقه سینین عضو اولوب ۲۱ آذر حرکاتیندا فدائی کیمی اشتراک ایدیب ۱۳۲۵ نجی ایلین آذر آیندا باشقا فدائی لر کیمی عائله سیله (۶ نفر عائله عضوی) سووه ت آذربایجانیندا سیغیناجاق تاپیب قوبادا مسکونلاشیب، آما باغیندا فعله ایشله یب باکی یا کوچوب اول نفت معدنینه سونرا ایسه توخوجولوق کارخاناسیندا فعله ایشله یب دیر. اونون ایندی ۶ ایولادی واردیر. نادرین باشقا هامیسی مهندس و حکیم کیمی امک فعالیتی ایله مشغول دورلار.

اونلارین آراسیندا آنجا نادر پرولاتارلاشیب ۱۰ ایل باکی گمی تعمیری کارخاناسیندا فعله ایشله یب سونرا سوروجولوک مکتبینی بیتیریب آذربایجان دموکرات فرقه سینین مرکزی کمیته سینده سوروجو کیمی ایشه باشلایب. فرقه نین ان چتین وقتینده فرقه دن اوزاقلشمایب دیر. او ۶ باش عائله نی نوزونون، حیات یولداشینین معاشی، قوجا آناسی و باجیسی نین تقاعدی ایله دولاندیریر.

جناب یدالله چتین گونلرده فرقه نی ترک ایتمه ین فرقه عضوینی سوروجو سوزو ایله دامغالایر. اونو فرقه نی دولاندیران آدام کیمی قلمه ویرمکله چالیشیر فرقه نین صدرینی تحقیر ایستین. جناب یدالله گوزل بیلیرکی بو گون فرقه آنجاق یازیلی تبلیغاتلا مشغول دور. یازیلی تبلیغات یعنی فرقه نین حرکت خطینی مقاله لر یازماقلا ایضاح ایتمک، نولکه و دنیا دا باش ویرن حادثه لری تحلیل ایتمک، فرقه نین پلاتفرماسینی یازماق، فرقه نین تاریخینه عاید کتاب و جزه لر حاضرلاماق، بو ایسه فرقه نی فیلاتماق دنیل اونو اداره اتمک دیر.

یدالله لار فعله لیک دن یاخا قورتارماق اوچون بنله روسدان قاچیب باکی یا گلدیلر. باکی دا نوز لرینه مرفه حیات قوردولار. باخمایراق کی یدالله هیچ ینرده ایشله میر.

۲- یدالله منیم لاپیزیک ده اولارکن حزب رهبرلیگینه یازدیغیم مکتوبلاری دستاویز ایدرک یازیر:

«.... بویوک عالیم مارکس نه گوزل سوز دیبیب. «تاریخ ایکی دفعه تکرار اولور، بر ینجی تراژدی، ایکینجی سی گولونج» او نوزو نوزوندن سوروشور «آیا بو بیزیم ایشیمیزده ده بنله ده بیلیمی؟»

بلی جناب یدالله بله دی: اما سنین دوشوندوگون کیمی یوخ عکسنه رامین و سن (یدالله و دوستلاری) چالیشدیز لاپیزیک اویونونو باکی دا منیم باشیما گتیره سینیز و گتیردینیز. سیز منیم انترنتدن باشیم چیخمادیغی اوچون منی بیر نوع بلوکادایا سالدینیز. لازملی معلوماتی مندن گیزلندینیز، باشقالاری ایله یاراتدیغینیز علاقه ده شخصی انترنتینیزین ایملیدن استفاده ایتمدینیز. دقیق دیسک سیز گودتایا حاضرلاشدیقینیز اوچون منی یوز فائض انفرماسیا بلوکاداسینا آلدینیز.

سیز فرقه داخلینده بد عملرینیزه نائل اولمادیقینیز اوچون فرقه دن اوزلقلاشدینیز. و سنین بگنمه دیگین اوشاقلار بو بلوکادانی سیندیردی لار. منده انترنت ده ینرلشدیریلن ماتریاللارلا گنیش تانیس اولماق امکانی الده ایتمدیم.

فرقه نی مهاجرت ده پادگانلار، غلام یحیی لار، چشم آدرلر و لاهرودی قوروپوب ساخلامیش بو گونه گتیریب چیخارمیشلار. یدالله نین و اونون مرشدی نین پیشه وری نین یاراتدیقی و اونون دوام چی لاری طرفیندن قورونوب ساخلانان فرقه نی داغیتماغا گوجلری چاتماز.

۱- لاهرودی

رکود، افزایش قیمتها، گرسنگی و.... هدیه نظام سرمایه داری جهان!

با بالا رفتن بیسابقه قیمت در جهان که افزایش چشمگیر کلیه هزینه ها و قیمت های کالاهای گوناگون را بوجود آورده، ریشه در بحران ساختاری سرمایه داری جهانی دارد! عطش روز افزون کشورهای صنعتی جهت بالا بردن سطح تولید ابنوه آنهم برای کاستن از قیمت تمام شده کالاها، تشنج های منطقه ایی و بین المللی پر هزینه تر شدن استخراج و تولید مواد انرژی زا، سود جویی بیش از حد دلان بین المللی انرژی که با کاهش گسترده محل های کار، بیرون شدن کارگران و کارکنان موسسات آنهم برای صرفه جویی در هزینه های جاری این موسسات در آستانه ور شکستگی و متعاقب آن پانین آمدن بدون توقف قدرت خرید مردم کشورهای مختلف جهان و روی آوری برخی از کشورها بویژه ایالات متحده آمریکا که بزرگترین مصرف کننده مواد کربنی در جهان است (چین جای دوم را دارا است) به سوخته های جانشین از آن جمله اتانول گرفته شده از مواد غذایی که گرسنگی بخش عظیمی

درپی خواهد داشت و کشاورزان تعدادی از کشورها را از کاشت و برداشت مواد ضروری تر مصرف دور خواهد کرد، شرایط سخت و بسیار دشواری را بوجود آورده و جهان ما را ببخشید، «دهکده کوچک ما» را که کدخدای آن ایالات متحده و دول سرمایه داری بزرگ جهان است را در لبه پرتگاه هولناکی قرار داده است!

رکود و سیر نزولی در موسسات مالی و بانکی جهان، رکود و بسته شدن و خرید و فروش شرکت‌های بزرگ حمل و نقل هوایی معروف جهانی، رکود در صنایع اتوموبیل سازی و... که همگی باعث سخت و سخت تر شدن زندگی مردم ساده و عادی کشورها می گردد از شاخص های این بحران ساختاری سرمایه داری است.

اخیراً بعثت بالا رفتن قیمت بنزین و انرژی در آمریکا تعداد زیادی از ساکنین خانه های خود را به حراج گذاشته و کم کم اتوموبیل های خود را به کناری می اندازند. در مصاحبه ای با ساکنین ایالات گوناگون آنها با صراحت بیان میدارند که «رکود در سیستم بانکی، کاهش در آمدها، بالا رفتن بی رویه قیمت‌ها و پائین آمدن در آمد و قدرت خرید ما بزرگترین دغدغه ایی است که ما را از هر روز بیشتر از روز قبل نگران و مضطرب میسازد بزرگترین شرکت هواپیمایی آمریکا برای صرفه جویی در مصرف بنزین در هوا پیمایها، محدودیهای فراوانی را بمورد اجرا در آورده و می آورد، کار به جایی رسیده که برای کم کردن وزن کلی هواپیما، از تعداد مجله ها، پرچب ها برچسبها (جای آنها را با رنگ عوض کرده اند) وزن صندلی ها و.. را تغیر داده اند که بدینوسیله در طی سال از طریق این صرفه جویی ها، شرکت خود را سرپا نگهدارند و این در حالی است که ۸۵ درصد قیمت بلیط هواپیماها صرف خرید بنزین میگردد.

اعتراض کامیون داران، ماهی گبران، کشاورزان و سایر اقشار مردم فرانسه، انگلستان اسپانیان پرتقال و... به بالا رفتن هزینه های سوختی و مالیاتهای ناشی از آن زنگ خطری در این رابطه است.

شرکت های اتوموبیل سازی بزرگ و معروف جهانی برای جایگزین کردن سوخت فسیل با سوخت های دیگر بهر اقدامی دست می زنند چرا که بعثت گرانی روز افزون قیمت بنزین در جهان خریداران این اتوموبیل ها هر سال کم و کمتر می گردد. اینها تازه مشکلاتی است که بخش فوقانی و پر درآمد جامعه جهانی را بفکر فرومیدارد و وضعیت در بین توده های محروم، بیکار، کم درآمد، بیمار و... مسئله بین مرگ و زندگی است. بسیاری از ساکنین کره زمین تنها برای زنده ماندن از صبح تاپاس شب بهر کاری دست می زنند تا با پر کردن شکم خود از گرسنگی نمیرند، زندگی در افریقای سیاه سیاه تر و درد آور تر است و... همه این پارامترها نشانه و صفات مشخصه نظام سرمایه داری جهانی است که در ورای تبلیغات گوش خراش دروغین و با فریب افکار عمومی زیر لوای «دموکراسی» و «حقوق بشر» و... به غارت و چپاول لقمه هایی نانی که باید از گلوی مردم درد کشیده پائین برود، مشغول است.

علی

شمالی آذربایجاندا مهاجرلرین انکشافنا قارداشلیق یاردیمی

شاهلیق رژیم آذربایجان خالقینین ملی دموکراتیک حرکتینی امپریالیزمین کومگی ایله قان دریاسیندا بوغدی. بو زمان ۳۰ مین نفر انقلابی قوه اولدورولدو و اوچ یوز مین انقلابی عائله سی ایرانین جنوب ایالت لرینه سورگون اندیلدی. آذربایجان دموکرات فرقه سینی دیری ساخلماق، گلکه جک مبارزه نی دوام انتدیرمک مقصدیله فرقه رهبرلری و فدائیلر مهاجرت ائتمگه مجبور اولدولار.

همین مهاجرلر او زمان اساساً سووت آذربایجانیندا سیغیناجاق تاپیرلار. او زمان محاربه ده ن ینی چیخیش آذربایجان خالق جنوبی آذربایجان انقلابی قوه لرینی چوخ ایستی اورکله قارشیلادیلار. محاربه ده ن چیخیش خالق اوزلرینین جنوبلو قارداشلارینی چتین لیکده قویمادیلار اوز چوره ک لرینی اونلارلا بولوشدوروردیلر.

جنوبدان گلن انقلابی مهاجرلر شمالی آذربایجانین ۳۴ رایون و شهرلرینده بیرلشدیرمیشلر. اونلارین ایش، منزل و خصوصیه تحصیل ایله تأمین اولونمالارینا کومک ائتمیشلر. خصوصیه آذربایجان دموکرات فرقه سینین فعالیت ائتمه سینه ایمکانلار یاراتمیشلار. ترک خالقینین بویوک شاعر اوغلو ناظم حکمت دنمیشکن قیریلیمیش میروارینی ینی ده ن ساپا دوزوب اونا حیات ونرمیشلر.

گلکه جک انقلابی مبارزه یه رهبرلیک و آذربایجان دموکرات فرقه سینین وارلیغی قورویوب ساخلماق اوچون انقلابی قوه لرین بیر حصه سی، خصوصیه فرقه نین رهبرلیگی اولکه نی ترک ائتمه یه مجبور اولموشلار.

۱۹۴۶ - نجی ایلین دکابر آئیندان باشلایاراق، آذربایجان ملی حکومتی نین ساحلی قوه لری اولان فدائی و قزیل باش آدلانان عسگرلرین بیر حصه سی مهاجرت ائتمگه مجبور اولموشلار.

۱۹۴۶ - نجی ایلین دکابر آئیندا مهاجرت اندلرین سائی ۱۲۵۰۰ نفره یاخین اولموشدور. بونلاردان ۵۵۸۳ نفرینین یاشی ۱۸ دن یوخاری و ۷۰۱۷ نفرین یاشی ایسه ۱۸ - دن آشاغی اولموشدور. بونون سببی ایسه سرحد منطقه لرینده یاشایانلارین عائله و اوشاقلاریله مهاجرت ائتمه لری اولموشدور.

اونلاردان یالنیز ۳۱۲۲ نفر فرقه عضولری اولموشدور. قید ائتمک لازیمدیر که، مهاجرتدن اول ۱۹۴۶ - نجی ایله فرقه عضولرینین سائی ۳۶۰۰۰۰ نفر اولدوغو حالدا اونلاردان یالنیز ۳۱۲۲ نفری مهاجرت ائتمیشلر. ایله جه ده ۱۹۵۰ - نجی ایلین اوللریندن باشلایاراق ۱۹۵۳ - نجو ایلین اوللرینه ایکنجی دور مهاجرت اولموشدور. اونلارین سیاسی ساینی دقیق لشدیرمک ممکن دگلدیر. لکن اونلارین تقریبی سائی ۲۰۰۰ نفره قدر اولموشدور.

آذربایجان دموکرات فرقه سی ۱۹۴۷ - نجی ایله ن بو گونه قدر مهاجرتده فعالیتی نی دوام انتدیریر. آذربایجان دموکرات فرقه سی مهاجرلرین تعلیم، تربیه سی، تحصیل آلمالاری و سایر معیشت ایشلریله یاناشی، اساساً ایدیالوژی و کادر حاضرلیغی ایله مشغول اولور.

بو دوروده آذربایجان خالق و آذربایجان دولتی مهاجرلرین انکشاف ائتمه لرینه، اونلارین معیشت ساحه لرینه، خصوصیه علیم ساحه لرینده، اونلارین انکشاف ائتمه لرینه بوتون ایمکانلاریله کومک ائتمیشلر.

بنله لیکله ده آذربایجان دموکرات فرقه سینین مهاجرلر آراسیندا آپاردیغی ایدیالوژی و تعلیم - تربیه ایشلری اونودولمادیر. انله بونا گوره ده مهاجرت دورونده شمالی آذربایجان خالقینین و دولتی نین سیاسی مهاجرلره هر طرفلی کومک و قایغی لاری حرمته لایق دیر. انله بونون نتیجه سیدیر که، سیاسی مهاجرلرده ن بوتون ساحه لر (پنشه) اوزره چوخلو مهندس، حکیم، آغرونوم و

باشقا ساحه لرده گوجلو کادرلار حاضیرلانمیشدیر. بوتون اختصاصلار اوزره ۲۵۰ نفر عظیم لر نامزدی و علملر دوکتورلاری حاضیرلانمیشدیر.

خصوصیله مهاجرت دورونده سیاسی مهاجرلر آذربایجان دموکرات فرقه سینی قورویوب ساخلامیشلار. عین زماندا اوز لرینین ده سیاسی ماهیت لرینی ساخلامیشلار. اونلارین تام اکثریتی امک، علم ساحه لرینده بویوک آد قازانمیشلار. اونلاردان ۳ نفر سوسیالیست امگی قهرمانی آدی، ۱۶ نفر نین اوردینی، ۵۸ نفر قرمیزی امک بایراغی اوردینی ۵ نفر خالقلار دوسلوغو اوردینی، ۲۱ نفر شرف نشانی اوردینی، ۳۰ نفر سوسیالیست امگی فرقلنمه میدالی، ۱۱- نفر اوچونجو درجه لی شهرت اوردینی، ۲۶- نفر امگده ایگیدلیه گوره میدالی، ۴۸۰ نفر نین یوبلیه ی میدالی، ۱۳۳ نفری کند تصرفاتی سرگی سی میدالی، ۸۴۰ نفر سوسیالیزم یاریشی نین غالبی میدالی، ۸۵۸ نفر سوسیالیزم ضربه چیلرین غالبی دوش نشانی، ۲۸۸۴ نفر ناظیرلیک و اداره لرین فخری فرمانلارینی، ۷۹۲۲ نفر امک ویترانلاری مدالینی آلمیشدیر.

سیاسی مهاجرلردن و انلارین عانله عضولریندن ۱۹۴۷ - نجی ایلده ن ۱۹۹۱- نجی ایله قدر آپاریلان دقیق سیاحه یه گوره ۷۵۶۴ نفر مختلف عالی مکتب لری، پارتیا مکتبی و تخنیکوملاری بیتیرمیشلر.

سیاسی مهاجر قادینلاریندان ۶۲۰ نفر درزیلیک کورسلارینی، سیاسی مهاجر اوشاقلاریندان ۶۰۰ نفر پنشه مکتبلرینی، ۶۰۰ نفر سوروجولوک کورسلارینی و سیاسی مهاجرلرین اوشاقلاریندان ۱۷۰۰ نفر مختلف انترنات مکتب لرینی قورتارمیشلار.

بوتون بو موفقیتلر آذربایجان خالق نین و آذربایجان دولتی نین سیاسی مهاجرلره گوستردیکلری قارداشلیق قایغیلارینین نتیجه لری کیمی قیمتلندیریلمه لیدیر.

قید انتمک لازیمدیر کی، سیاسی مهاجرلره گوستریلن قایغی نتیجه سینده اونلار انکشاف اتمیش، مبارزه نی دوام انتدیرمیش، گله جک مبارزه یه اوزلرینی حاضیرلامیشلار.

اردبیلی لطفعلی (فلکی

پارچالانمیش مغان حقیقده ینی کتاب اولی ۴۵ نمره ده

حزب توده ایران، آدف و ملی حکومت بونلارین رهبر و اشتراکچیلارینا قارشی اوز قضاوت و محاکمه لرینده، انصاف و عدالت چرچیوسیندن چیخان «تاریخ دشت مغان» نین مولفی قارداشی قارداشلا اوز - اوزه قویماق ایچون اردبیل ولایت کمیته سی و شعبه لرینده «قزیل» و «گوموش» چکمه چیلر اویونی باشلابیر، وقتیله بیر تکه چورک و ایش ایچون قفقازا گندیب، نه مصبیتلردن سونرا اوز باجی قارداشلاری و حقیقی وطنینه قاییدانلاری نفاق تورتمک ایچون صحنه یه گتیریر. بو گونه گلیب چاتان انسانلار یاخشلی بیلیرکی و تاریخ معاصر ایران و آلمان و انگلیس جاسوسلاری طرفیندن ۱۹۳۹ - ۱۹۴۰ - نجی ایلدرده تهران دا بویوک بیر سلاح آنباری نین یاندیریلماسی نتیجه سینده پهلوی رژیم «آرزو اولونماز» انسان آدی قویاراق فارس ولایتلرینده و خصوصیله تهران شهرینده یاشایان و بیر تیکه چورک ایچون ایشله ین بوتون آذربایجانلیلاری غیری انسانی بیر طرزده بیر نچه گون عرضینده یوک ماشینلارینا دولدوروب تبریزدن بری قووالادی و یانقی نین سببکاری قفقازدان گلن آداملار (مهاجرلر) آدلاندیردیکی، ۱۹۴۱ - نجی ایلین اوللریندن باشلانان دست جمعی «آرزو اولونما» انسانلار کیمی بودفچه داها دهشتلی، داها امانسیز بیر شکلده بیر نچه گونون عرضینده بیر یره توپلاییب اسیر شکلینده عرابه لره دولدوروب کند و قصبه لردن چیخاردیب «سولدوز» دییلن غیری معین بیر دیارا یولا

سالدیلار. ینی جه شرایطه اویغونلارشان انسانلارین بوتون واری یوخی، ایوی ژاندارم پولیس و خان، بگ قولدورلاری طرفیندن داغیدیلدی. آز زمان ایچریسینده کوکله گورولدالدی، دنیز فیرتینالاری باشلادی، یرزلزله دن اوز اوخی اطرافیندا فیرلانندی. بوتون کائناتی قارا دومان بورودی و رضا شاه دا بو «آرزو اولونماز» انسانلار کیمی بیر دفعه لیک ایراندان «سورگون» اولوندی. رضا شاه استبدادی نین طغیان انتدیگی، مملکت جمعیتین اکثریتینین، زحمت کش کتله نین آج، سفالت، محرومیت و نهایت صحیه سیز لیک اوزیندن نابودلیقا یوارلانیدی عرقه سینده متفق لر و یا مداخله چی قوشونلار ایرانا - آذربایجانا داخل اولدیلان سونرا نجات تاپان مهاجرلرین (قفقازدان گلن لر) بیر چوخلاری عانیله عضولریندن بیر نچه نفرین ایتیردیکدن سونرا اوز وطنلرینه سورگوندن قاییتدیلا. قیسا مدته

(۴- ۳ ایل) ایکی دفعه یورد- یواسیندان دیدرگین دوشن، حیاتین بوتون عذابلارینی گورن انسانلار آراسیندا «قزل چکمه چی» و «گوموش چکمه چی» آختارماق دوغما قارداشلار آراسیندا نفاق سالماقدان باشقا بیر شی دگیلدر. آنجاق مولف «تاریخ دشت مغان» بوایش گورور و نمونه ایچون محمد جلیلی (سارخان بگلی) آدینی تز - تز چکیر. بو حقدان سونرا...

حزب توده ایران آدف، ملی حکومت و بونلارین رهبر و اشتراکچیلارینا قارشی اوز قضاوت و محاکمه لرینده انصاف و عدالت چرچیوه سیندن چیخان «تاریخ دشت مغان» مولفی گوستریلن بولمه ده حدت و نفرتینی اردبیل، مشکین، گرمی - مغان تورپاق و سمالارینا سپدیکدن سونرا ۷۵۸ صحیفه لیک بو کتابین آنجاق بیر صحیفه سینی مغانین ازلی، ابدی و ایندیکی مرکزی اولان بیله سوارا حصر اندیر. بورادا قیرماغینا یاغلی بیر شی ایلیشمیر. مغان تورپاغلاری نین اوچده بیریندن چوخونون بگی، خانی، کدخداسی و مالکی اولان طالیش میکایلی فرض اله بگی تاپیر. اونی محافظه کار و معارفچی کیمی قلمه ونریر. مغاندا یگانه (اوخت) مدرسه نین بوگون حسرتلری قووشدوران - کچید منطقه سی اولان (شمال جنوب) بیله سوار کندینده (ایندی شهرجیکدیر) ۱۳۱۰ شمسی ایلینده ۵ (بش) کلاسلیق مدرسه نین تیکلمه سینین گویا تشبث کاری دیر. معلومدورکی، رضا شاه حاکمیتی دورونده بوتون دینی اینام اوجاغلاری باغلانیدیگی کیمی بیله سوارداکی تک مسجدین قایوسینا یرلی ژاندارم و نظمییه مأمورلاری طرفیندن قیفیل وورولموشدور. ملالارین عامه لری نین، سیدلرین گوی پارچادان اولان بل قورشاقلار ینین ژاندارم و پولیس طرفیندن گوتورولدیگی و آچیلیدیگی تاریخه معلومدور. (Ciy) کرپیچله تیکیلن و اوستی کولش ایله اوستی اورتولن کند مدرسه سی طبیعتین غضبینه گلدیگی ایچون اوجماق عرقه سینده ایدی. تدریسی دوام اندیرمک ایچون زنجیرورولان و روضه اوخونان کنیش سالونی اولان مسجده کوچورتدیلر. بیله سوار و اطراف کند و اوبالارین جاماعتینین طلبی ایله کلانتری مرزین رئیسی سلطان ماکونون کمگی ایله قیسا زمان عرضینده و سائطی بگ، خان و اربابلاردان پول توپلاماقلا، یوخسوللارین پول سیز ایشلمه سیله بوگونکی مناسب و آبیرو مدرسه تیکیلدی. کتابدا آدی چکیلن سوار خانلاریندان (بگ) بیریده فرهاد بک پاشایی دیر. پاشایی فرض اله بگین قارداشی اوغلو اولان فرهاد بگ حاقیندا مولف یازیر. «از فرماندهان افتخاری تفنگ چیان عشایری تحت امر دفتر امور عشایری هنگ پهلوی».

بو یازی نین مولفی یگانه کهنه مدرسه، مسجد و تازه مدرسه و کاسب اوشاقلارینا یوخاریدان آشاغی باخان فرهاد بگ له ۵- ایل همکلاس اولموشدور. یاناقلاری همیشه قرمزی اولان فرهاد بگ تأسف کی، مشکین - اردبیل یولوندا همین ایلرده «مشکوک» مکاندا «مشکوک» حالدا اولدورولور اما بو «مشکوک» مکانین یاخین لیغیندا اولان مولف حادثه لرین تفرعاتی نین سبب بیله - بیله سکوت اندیر و آچمیر. مغانین گورکملی، انلدار، انسان پرور بگلریندن اولان - نصرت بگ شاهین (اجرلی) پهلوی بگ (زرگاری) نصیر بگ مرادلی، هاوارخان (گیگلی) یداله خان حسن (گ.م.ش چیلی) حاقیندا آغزینا سوا لیر و سوسور. یداله خان حسنی نین هله فرقه نین (ملی حکومت) تورپاق اصلاحاتینا باشلامادان قابق بوتون تورباغلاری

نین ملی حکومته باغیشلادیغینی یازمیر. بو حاقدا اوزمان «جودت» روزنامه سینده کی خبره ده باخمیر. غیرتلی شاهسون طایفالاری نین رئیسی اولان و بوتون گوردیکلری خیرخواه عملریله انسانی کیفیته مالک اولان، ملی حکومت دورینده شاهسون و کندلیلر آراسیندا، شاهسون و ملی حکومت آراسیندا یاراتدیغی مناسب آب - هوا و طرازیق روحی نتیجه سینده بوتون مغان محالین بگ، خان و اربابلاری نین کندلیلرله بیرلیکده صمیمیت بر قرار اولونموش، انصاف و عدالت نسبتاً بر قرار اولموشدی. بو حاقدا اوز قرضلی موقعینی داخیلینده گیزله ده بیلمین «تاریخدشت مغان» نین مؤلفی مجبور اولاراق ریاکارجاسینا اوخوجو داشبیه و اینام سیزلیق یاراتماق ایچون یازیر:

«بیشتر معمرین و بزرگان عشایر نقش کربلایی نصرت را (اجرلی غ) در حوادث دوره فرقه دموکرات آذربایجان براین باورند که، او برای نجات طایفه شاهسون از فتنه و آزار و اذیت فدائیان فرقه و با صلاح دید و مشورت ریش سفیدان و کدخدایان شاهسون با تشکیلات فرقه دموکرات همکاری میکرده». مکرلی، غلط و بهتان اولان بو اویدورما لیاقتلی انسانا و بوتون مغان جماعتینا قارشو بهتاندان باشقا بیر شئی دگیلیر. اوز عقیده سینه باغلی و مستقل اولان نصرت بگ شاهین هم شاهسونلرین و همده کند نشینلرین آغ ساققالی و حرمتلی بگی ایدی. ۷۵۸ صحیفه لیک کتابیندا بیر ایلیک ملی حکومتین خالقا و وطنه نه وئردیگیندن بیر کلمه یازمایان مؤلف هج اولمازسا دیلمیرین (آذری) دولت دیلی اولدیقینی دا قید اینمکده بهتان یاغیران دیل لال اولور. امیراصلان بگین مشکین ده حسنعلی خان امیری کیمی و فرض اله بگین مغان - بیله سوار قصبه سینده قویدیغی سرحدی علیش بگین اللریله ملی حکومتین سقوتیندان سونرا بو آدمالارین تاپشیریغی و ایله سورقی، سنوال سیزگولله نزن انسانلارین روحینا حرمت ایدیلمیر. فرقه عضوی اولدیقلاری و آنجاق میتینگلرده بگلرین تورپاقلاری یوخسول کندلیلره وئرلمه لی دی دنین حسن ضربی، مجردی میرزا کیشی بیر نفر شاه طپه لی (مغان) ساکی نین شاه قوشونلاری مغانا داخل اولماسی مناسبیله «قریان» لیق آدیله گوللنمه سی ندن مؤلف یازیر. بوتون دورلرده اون مین لرله ایش سیزی اولان قاراداغ، مشکین، اردبیل و مغانین جوانلاری نین ایش و چورک دردیندن جلای وطن اولدیغی بیر زماندا قزوین - آستارا - آستارا و باکی دمیر یولونا موافق اولاراق یر آلتی و یر اوستی ثروتی اولان مغانین بیله سوار یاخود پارس آباد شهریندن باشلایب، اردبیل - مشکین اراضیلریندن کچمکله سون مکانا (قزوینه) بیر دمیر یولو خطینی چاتدیرماق اولاردی، بونلارا یول طبیعی نعمتلرین مرکزه چاتدیریماسی و مین لرله ایش سیزین ایشله دائمی مشغول اولماسی ممکن دیرمی! بله بیر سیاسی و اجتماعی اهمیت مالک اولان مسئله لر بارسینده یازمایان و سوز دنمه ین «تاریخ دشت مغان» نین مؤلفی کتابینی بگ و خانلارین مبارز، جنگجو و جنگاور کیمی اولدیقلارینی مدح اندره ک اجتماعی عدالتین برپاسی، حق و عدالتین بوتون مملکتده برقرار اولونماسینی، بگ، خان، ژاندارم و پولیس مأمورلاری نین اوز باشینالیقینا سون قویولماسینی طلب اندن و بونون ایچون بوتون محرومیتلره باخمایاراق اله سلاح گوتوریب آیاقا قالخان انسانلارا مؤلف طرفیندن بهتانلار یاغدیریماسینی، غضبلی و نفرتلی موقع توتماسی اونا حرمت و نفوذ گتیرمیر.

آد، شهرت، مقام و وظیفه نامینه ملی حکومتین اشتراکچیلارینا حتی عظمتلی ساوالانین دردلره درمان سویوندان ایچن، اونون نسیمی ایله گویرن و میوه وئره ن رنگا - رنگ و دادلی میوه لریندن درن مؤلف ینه هم یرلی لره نالایق سوزلر یاغدیرماق عدالت سیزلیک و انصاف سیزلیقدیر. اوز خالقینا، تورپاغینا بیگانه اولوب، باشقالارینی گوزه سوخان انسانلارین فاجعه لرینی هم گورموشک و همده آز چوخ اوخوموشوق. بورادا شاد روان شاعر دنییبیدیر:

ترسم نه رسی به گعبه ای اعرابی
این ره که تو میروی به ترکستان است

دکتر غفار کاوه - مغانلی..

چین هشت میلیون جفت کفش به ایران صادر کرد.

چین - تولید ناخالص سالانه این کشور ۶/۹۹ تریلیون دلار است ایران - تولید ناخالص سالانه ۲۹۸/۱ میلیارد دلار است.

چین و ایران قرن‌ها تحت سلطه قدرتهای استعمارگر رنج می‌بردند. چین ۵۰ سال با اشغالگران ژاپن و با سیاست استعماری غرب و عاملین داخلی آن اسلحه در دست مبارزه کرد و پیروز شد.

ایران در آغاز سومین دهه قرن ۲۰ از مداخله مستقیم خارجی‌ها رهائی یافت راه تجدد خواهی را در پیش گرفت. اما با مداخله مجدد خارجی‌ها این روند متوقف شد. ایران تحت تسلط آمریکا قرار گرفت.

انقلاب اسلامی ایران را از اسارت خارجی‌ها بویژه از سلطه آمریکا نجات داد ولی نتوانست حرکت از نقطه توقف را آغاز نماید. بر عکس مؤسسات تولیدی در برابر رقابت کالاهای ارزان قیمت وارداتی توان مقاومت را از دست دادند و بشکل زنجیره ای در معرض ورشکست قرار گرفتند.

چین بعد از انقلاب راه پرپیچ و خم را پشت سر گذاشت. مدل‌های گوناگون را تجربه کرد و در نهایت مدل پرثمر را پیدا کرد، در عرض تقریباً سه دهه اخیر به یک کشور رشد یافته مبدل گردید. از لحاظ تولید ناخالص ملی بعد از آمریکای ثروتمند جایگاه دوم را احراز نمود. برای دست یابی به رشد و ترقی اقتصادی از بکار بستن سرمایه‌های خارجی با بهترین و چه بهره‌برداری نمود و تولید کالاهای مصرفی دراز مدت را بالا برد و بازار کشورهای جهان را از آن جمله آمریکا و اروپا را تسخیر نمود.

چرا یک کشور کمونیستی میتواند اعتماد کشورهای جهان را به خود جلب کند. برای فعالیت سرمایه‌ای فرا ملی جای امن و پر درآمد باشد؟

جواب روشن است. سرمایه‌میهن ندارد. ملیت برای سرمایه‌معی و مفهومی ندارد. سرمایه‌بجز سود و دست‌یابی به حد اکثر سود هدف دیگری را دنبال نمی‌کند بنابراین جانی که دست‌یابی به سود ممکن است ایدیولوژی از جمله ایدیولوژی کمونیستی اهمیت خود را از دست میدهد از دژ ضد کمونیستی فرار می‌کند و برای بدست آوردن سود کلان در کشور «امن» کمونیستی پناه می‌گیرد. همین عامل است که سرمایه‌های فرا ملی از آمریکا و اروپای غربی به چین کمونیستی فرار می‌کنند.

اما ایران - چرا سرمایه‌های خارجی از جمله سرمایه‌ای فرا ملی از ایران ضد کمونیست دوری می‌ورزند زیرا ایران ضد کمونیست نه تنها برای سرمایه‌های خارجی بلکه برای سرمایه‌های داخلی نیز جای امن نیست. سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌ای داخلی در یک مورد و چه مشترک دارند. احتراز از سرمایه‌گذاری در تولید و تکیه بر واردات کالا از خارج.

بدین سبب است که بازار وسیع و پر درآمد نفتی ایران در انحصار کالاهای خارجی قرار گرفته است (صدور کالا به جای صدور سرمایه) وارد کردن کالاهای خارجی چنان پر سود است که حتی فسمت اعظم سرمایه‌های داخلی (۲۰۰۰ شرکت ایران) در شیخ نشین‌های خلیج فارس جا خوش کرده‌اند و از این طریق نقش واسطه‌گری را به و چه «احسن» ایفا می‌کنند..

این چند سطر را بدان سبب روی کاغذ آوردم که رادیوهای فارسی زبان خارجی خبر وارد کردن هشت میلیون جفت کفش از چین را با آب و تاب پخش کردند (۲۳ / ۶ / ۲۰۰۸)

هر چه فکر کردم نتوانستم جواب منطقی برای این سوال بیابم که چرا ۸۰٪ ایرانی روستا نشین ۶۰ - ۷۰ سال قبل چارق به پا میکرد. این چارق ها را خود می دوخت. هر سرپرست خانواده چارق دوز خوبی بود. بعد بتدریج کفش های وطنی پیدا شدند. در سایه ضرب شست رضا خان دیکتاتور صنعت کفش دوزی رشد نمود. مردم بتدریج چارق را کنار گذاشتند کفش های راحت پوشیدند. بعد از سقوط دیکتاتوری رضا خان بازار کفش خارجی رونق گرفت. پوتین پوشی به مد روز مبدل گردید. در در سالهای حکومت محمد رضا شاه رگ ملی بالا گرفت. کارخانه «کفش ملی» در تهران دائر گردید. این بار مواد خام (پوست) به خارج صادر گردید. و بشکل مواد صنعتی به کشور باز گشت و در کارخانه «کفش ملی» مونتاژ گردید و به بازار عرضه شد. ولی «کفش ملی» نتوانست بازار داخلی را در انحصار خود نگهدارد. رقابت با کفش ملی به حدی بالا گرفت که امروز شاهد وارد کردن هشتاد میلیون کفش از خارج، از چین نیم مستعمره دیروزی و صنعتی امروز هستیم.

مقصر کیست؟ خود ما مقصر هستیم.

چرا سرمایه ملی (دولتی و خصوصی) در سالهای حاکمیت رضا خان برای رشد صنعت نساجی، کارخانه قندوسیمان، برای احداث راه شو سه و راه آهن بکار گرفته میشود. حالا اینطور نیست کارخانه های تولیدات صنعتی پشت سرهم ور شکست میشوند، کفش ما، لباس ما، مقدار زیادی غذای ما، میوجات مصرفی ما از خارج وارد میشود.

سرمایه ای دولتی کار آبی خود را از دست داده است. سرمایه داران خصلت ملی خود را کنار گذاشته اند و به سرمایه داران دلال تبدیل شده واسطه گری را پیشه ای خود ساخته اند. بازار ملی ایران را در بست در اختیار کالاهای حاضر و آماده خارجی گذاشته اند نتیجه این سیاست است که عده ای قلیلی صاحب میلیاردها شده اند. طبقه باصطلاح متوسط زندگی خود را بشکلی میچرخاند، طبقه ای پائین زندگی را با عسرت بسر می برند.

اما ایرانی از لحاظ سیاسی انقلابی ترین ملت نه تنها در خاورمیانه بلکه در جهان است. سی و چهل سال یکبار فریب شعار «جذاب» میشوند به خیابانها میرزند، حکومت موجود را بعبارت دیگر افراد مشخص را کنار می گذارند و فرد دیگری را بقدرت میرسانند. اما با تغییر قدرت تغییر ماهوی انجام نمی گیرد. برعکس این عمل «انقلابی» راه را برای مردم سالاری می بندد مستبد دیگری را بر کشور تحمیل می کند باز هم نارضانی مردم اوج میگیرد و باصطلاح وضع «انقلابی» بوجود می آید. انقلابی گری دوران تسلسل خود را ادامه میدهد. اما ۱۵۰ سالست که تب و تاب انقلابی گری نتوانست تغییر اساسی در کشور انجام دهد. ۱۵۰ سال دیگر نیز راه انقلابی گری ادامه خواهد یافت. بنابه فرمل بندی برنشتاین نظریه پرداز را سنتگرای آلمانی «حرکت همه چیز هدف هیچ چیز» در ایران ما پا بر جا خواهد ماند.

۱- لاهرودی

Azərbaycan qəzeti
5- ci dövr 46- ci nömrə Avqust 2008
Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi
www.adf-mk.org

باش رداكتور: امير علي لاهرودي
قرئت تحريريه هئيتي طرفيندن نشر اولونور
قرنتين آرتيريپ، ياييمي آزاددير
[E- mail info @ adf - mk. org](mailto:info@adf-mk.org)

